

ابوعبدالله محمد بن عمر ملقب به واقدی، از موالی بنی سهم بن اسلم^۱ یا بنی هاشم^۲ بوده است. ابن سعد تولد او را در سال ۱۳۰ ق. و وفاتش را روز دوشنبه ۱۱ ذی حجه سال ۲۰۷ ق. دانسته است.^۳ گفته‌اند وی در ۱۸۰ ق. از مدینه به عراق رفته و از سوی هارون الرشید قاضی عسکر بغداد شده و تا پایان عمر عهده‌دار این منصب بوده است.^۴

ابن جریر (م. ۱۵۰ ق.)، محمد بن عجلان (م. ۱۴۸ ق.)، معمر بن راشد (م. ۱۵۳ ق.)، ابراهیم بن سعد (م. ۱۸۵ ق.)، ابن ابی ذئب (م. ۱۵۹ ق.)، سفیان ثوری (م. ۱۶۱ ق.)، عبدالرحمن بن عبدالعزیز (م. ۱۶۲ ق.)، عبدالحمید بن جعفر (م. ۱۵۳ ق.) و عبدالعزیز دراوڑی (م. ۱۸۷ ق.) شماری از شناخته شده‌ترین استادان و مشایخ واقدی هستند که او در مغازی، سیره، فتوحات و اختلافات حدیثی و فقهی، از آنان دانش فراگرفته است.^۵

بسیاری از دانشوران و محدثان او را ضعیف و غیر ثقه دانسته‌اند.^۶ بغدادی گزارشی گسترده

للملایین، ۱۹۹۷ م؛ ایضاح المکنون: اسماعیل پاشا البغدادی (م. ۱۳۳۹ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ بغداد: الخطیب البغدادی (م. ۴۶۳ ق.)، به کوشش عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق؛ حجاز در صدر اسلام: صالح احمد العلی، ترجمه: آیتی، مشعر، ۱۳۷۵ ش؛ شیخ الاخباریین ابوالحسن المدائنی: فهد بدری محمد، نجف، مطبعة القضاء، ۱۹۷۵ م؛ الفهرست: ابن الندیم (م. ۴۳۸ ق.)، به کوشش تجدید: الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق؛ معجم الادباء: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة: احمد زکی یمنی، مصر، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۹ ق؛ النجوم الزاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ هدیة العارفین: اسماعیل پاشا (م. ۱۳۳۹ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

علی احمدی میرآقا



اخبار مکه ← مکه، تاریخ‌نگاری

اخبار مکه واقدی: از منابع گمشده

تاریخ محلی مکه، نوشته محمد بن عمر واقدی (م. ۲۰۷ ق.)

این اثر از کتاب‌های مربوط به تاریخ و رخدادهای مکه و معرفی مکان‌های آن است که تنها گزارش‌هایی کوتاه از آن مانده و اصل کتاب از میان رفته است.

۱. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۱۲، ۲۳۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۴۵۷؛ الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۱۶۸.
 ۲. الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۱۶۸.
 ۳. الطبقات، ج ۵، ص ۴۳۳؛ الواقدی و منهجه، ص ۸۴.
 ۴. الواقدی و منهجه، ص ۹۲.
 ۵. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۶۴؛ الواقدی و منهجه، ص ۱۱۶-۱۳۰.
 ۶. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۶۲.

از دیدگاه‌های این افراد آورده است.^۱ با وجود این، ابن سید الناس از او دفاع کرده، بر این باور است که این نقدها به دلیل اغراب (ناآشنا بودن) و تفرد روایت‌های واقدی است.^۲ در پژوهش‌های هم‌روزگار ما از جمله مقدمه آثار موجود واقدی و نیز کتاب *الواقدی و کتابه المغازی* نوشته یاسر خصیر الحداد و نیز در *الواقدی و منهجه فی کتابه المغازی* نوشته عبدالعزیز بن سلیمان السلومی، به تفصیل درباره روش تاریخ‌نگاری و ویژگی‌های سبک و جایگاه دانشی واقدی تحقیق شده است.

ابن ندیم این اندیشه را به میان کشیده که واقدی به تشیع گرایش داشته و در اعتقاد به مذهب شیعه تقیه می‌کرده است.^۳ سپس این سخن را از وی آورده که علی علیه السلام برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معجزه‌ای همسان عصا برای موسی و احیای مردگان برای عیسی بود. گفتنی است که شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق.) هم‌روزگار ابن ندیم، به این نکته و دیدگاه او درباره تشیع واقدی نپرداخته است.

واقدی در بیشتر دانش‌های روزگار خود کتاب نگاشته و فهرست آثار او را به ترتیب، ابن ندیم، یاقوت حموی، صفدی و اسماعیل

پاشا بغدادی آورده‌اند.^۴ برخی از آثار او عبارتند از: *وفاة النبی، مولد الحسن و الحسین، مقتل الحسین علیه السلام، التاریخ و المغازی و المبعث، ازواج النبی، الطبقات، الفقهاء، مُراعی قریش و انصار فی القُطائع، ذکر القرآن، و غلط الحدیث*. ابن سعد، کاتب شناخته شده واقدی، *الطبقات الکبری* را از روی آثار واقدی، کُلبی، هَیثم بن عدی (م. ۲۰۷ ق.) و مدائنی (م. ۲۳۵ ق.) نوشته است. طبقه پنجم این کتاب درباره امام حسن و امام حسین علیهما السلام و بررسی رویداد شهادت امام حسین علیه السلام و قیام‌های پس از آن است. ابن سعد حدود ۲۶ درصد روایت‌های این بخش را از واقدی برگرفته و گزارش کرده است.

ابن ندیم به پشتوانه نوشتار یکی از شاگردان مدائنی و از اخباریان شناخته شده، احمد بن حارث خراز (م. ۲۵۸ ق.) آورده است که دانشوران باور دارند ابومخنف در تاریخ و فتوحات عراق، مدائنی (م. ۲۳۱ ق.) در شناخت خراسان و هند و فارس، و واقدی در حجازشناسی و سیره‌پژوهی ممتاز و یگانه هستند و دانش و آگاهی هر سه درباره فتوحات شام همسان است.^۵

از کتاب *اخبار مکه* واقدی اکنون نشانه‌ای

۱. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۲۲-۲۲۸.

۲. الطبقات، خامسه، ج ۱، ص ۳۲-۳۵، «مقدمه».

۳. الفهرست، ص ۱۱۱.

۴. الفهرست، ص ۱۱۱؛ معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۵۹۸؛ الوافی

بالوفیات، ج ۴، ص ۱۶۹.

۵. الفهرست، ص ۱۰۶.

در دست نیست؛ اما انتساب کتابی با این عنوان به واقدی، پذیرفته همه کتابشناسان و شرح حال‌نگاران است. ابن ندیم جز/اخبار مکه آثاری دیگر نیز به واقدی نسبت داده که حاوی آگاهی‌های مکه و مکیان است.^۱ یاقوت حموی نام این کتاب را/اخبار مکه دانسته است.^۲ آقا بزرگ تهرانی نام این اثر را در الذریعه آورده و در این کار گویا به دیدگاه ابن ندیم در تشیع واقدی توجه داشته است.^۳ گزارش‌ها و آگاهی‌های واقدی درباره مکان‌ها و رخدادها و تاریخ مکه گسترده بوده است و تاریخ‌نگاران مکه توجهی ویژه به این گزارش‌ها نشان داده‌اند. در این زمینه، باید به اخبار مکه ازرقی اشاره کرد که پاره‌ای از اخبار واقدی را بدون ارجاع به کتاب وی، ضبط و گزارش کرده است. یکی از گزارش‌های ازرقی از واقدی، سخنانی است که درباره آداب پای نهادن به کعبه، آتش‌سوزی کعبه در روزگار یزید، بنای آن به دست ابن زبیر، هدایا و اموال کعبه، پوشش و جامه آن، کلید کعبه و اعطای آن از سوی پیامبر به عثمان بن طلحه، و حرمت حرم مکی. این گزارش‌ها بیشتر از طریق راویانی مانند محمد بن یحیی، احمد بن محمد و محمد بن

ادریس از واقدی آمده است.^۴ فاکهی (م. حدود ۲۷۹ق.) بدون اشاره و استناد به اصل کتاب/اخبار مکه واقدی، ۲۶ گزارش از آگاهی‌های تاریخی واقدی درباره مکه و مکان‌ها و رویدادهای آن و تاریخ مسجدالحرام آورده است. بیشتر این گزارش‌ها از طریق راویانی چون عبدالله بن ابی سلمه و حسن بن عثمان از واقدی گزارش شده و از لحاظ موضوعی، گوناگون و مختلف است. مباحث این قطعات عبارتند از: خبری در رمل پیامبر اکرم ﷺ، استلام رکن حجرالاسود، شکستن حجرالاسود و ترمیم آن به دست ابن زبیر و قرار دادن آن در جای اصلی، دستور هارون الرشید به دو معمار زبردست در این زمینه و پوشاندن بخش‌های شکسته حجرالاسود با الماس، مضمون نامه عثمان به عامل مکه در جلوگیری از ساختن بنای مُشرف بر کعبه، منع قریش از ساختن بنای مشرف بر کعبه در روزگار جاهلیت، حدیث‌هایی در جواز فروختن و اجاره دادن خانه‌های مکه، آثار معنوی تلبیه، کرامات آب زمزم و پناه بردن مردم در حال گرسنگی به آن، گزارش تحلیلی از توسعه مسجدالحرام و افزوده‌های عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و تفاوت این دو توسعه با این توضیح که در

۱. الفهرست، ص ۱۱۱.

۲. معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۵۹۸.

۳. الذریعه، ج ۱، ص ۳۵۱.

۴. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۱۷۴، ۱۹۷، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۵۰، ۲۶۰، ۲۶۶.

روزگار عثمان، مردم در برابر خرید و تخریب خانه‌های پیرامون مسجد و اکنش منفی نشان دادند و در روزگار عمر همه این کار را پذیرفتند، ساختن دو سیل‌بند در آبیاد و بالای مکه در روزگار عمر برای پیشگیری از سرازیر شدن آب به مسجدالحرام، نصب دو چراغدان بر دیوار کوتاه پیرامون مسجد در همان زمان، نصب سالیانه آنصاب حرم* و اجرای این سنت در هر سال، فضیلت جده و اهمیت آن برای مکه، سیره نبوی در آموزش مناسک در هفتم ذی حجه، خطبه پیش از ترویبه، فروش و اجاره خانه‌های مکه، کراهت ساختن بنای مربع و چهارگوش در مکه و این که نخستین بار فردی به نام حُمید بن زَهریر در مکه خانه چهارگوش ساخت و تا شورش روزگار عثمان از این کار منع می‌شد، مرگ قُصی و دفن او در حَجون* و این که پس از آن زمان حجون آرامگاه مردم مکه شد، گزارش‌هایی مهم از تحولات این قبرستان، روشن کردن آتش در مزدلفه در موسم حج، و شمار حج‌های پیامبر ﷺ^۱

الخطیب البغدادی (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ الطبقات الکبری الخامسة: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش السملی، الطائف، مکتبة الصدیق، ۱۴۱۴ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ الفهرست: ابن الندیم (م. ۴۳۸ق.)، به کوشش تجدد؛ معجم الادباء: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۳م؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق؛ السوفی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق؛ الواقدی و منهجه فی کتابه مغازی الرسول ﷺ طارق ابوالوفاء، قاهره، مکتبه زهراء الشرق.

علی احمدی میرآقا



اخبار مکه وستنفلد: مجموعه‌ای از

پنج اثر مهم در تاریخ محلی مکه، همراه

تصحیح و ترجمه گزیده آن به زبان

آلمانی

این کتاب مجموعه‌ای از پنج کتاب/خبر

مکه ازرقی (م. حدود ۲۵۰ق.)،/اخبار مکه

فاکهی (سده سوم ق.)، شفاء الغرام فأسی

منابع

اخبار مکه: الفاکهی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبة الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ بغداد:

۱. اخبار مکه، فاکهی، ج ۱، ص ۹۹، ۱۳۹، ۳۳۹، ۳۴۰، ج ۲، ص ۳۱، ۱۵۷، ۲۷۴، ج ۳، ص ۵۳، ۶۰، ۱۳۱، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۶.